

طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی

(با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم)

حاجیه رجیبی فرجاد،^۱ کرم‌اله دانش‌فرد^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۳۰

از صفحه ۱ تا ۲۸

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال هفتم،
شماره سوم (پایبسیست و هفتم)، پاییز ۱۳۹۳

چکیده

مشارکت یکی از ارکان یک نظام مردم سالارانه و دموکراتیک محسوب می‌شود. مشارکت و نظارت شهروندی، به طور معمول به اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های بخش عمومی منجر می‌شود. مشارکت شهروندان در نظارت عمومی می‌تواند در تأمین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی و رضایت شهروندان مؤثر باشد. هدف اصلی این تحقیق؛ شناسایی، اولویت‌بندی، تعیین رابطه و اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها با طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی بر اساس دیدگاه مدیریت دولتی نوین، با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم می‌باشد. نوع تحقیق از منظر هدف، کاربردی و از نظر روش شناسی، کمی و از نظر ماهیت، توصیفی به شیوه دلفی و پیمایشی است. جامعه آماری اول شامل ۳۰ نفر از خبرگان مجلس شورای اسلامی کشور می‌باشد که به شیوه غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه که حاوی معیارها و مؤلفه‌های مؤثر در مشارکت شهروندان در نظارت عمومی که از ادبیات تحقیق استخراج شد، استفاده گردید که روایی آنها توسط خبرگان با استفاده از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه از محاسبه آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۱۲ حاصل شد. جامعه آماری دوم که برای پیمایش و آزمون مدل بودند بر اساس محاسبه فرمول جامعه نامحدود، شامل ۲۶۶ نفر از افرادی است که به عنوان ارباب رجوع به مجلس شورای اسلامی مراجعه کردند که به شیوه غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که از ابعاد مدیریت دولتی نوین، معیار «تمرکز زدایی»، «مقررات‌زدایی»، «خصوصی‌سازی»، «مدیریت‌گرایی»، «تأکید بر سبک‌های مدیریت بخش خصوصی»، «کوچک‌سازی» و «انضباط و جلوگیری از اسراف در استفاده از منابع»، رتبه‌های اول تا هفتم را در مدل به دست آوردند. از ابعاد مشارکت شهروندان در نظارت عمومی در کاهش جرایم نیز معیار «ویژگی‌های جمعیت شناختی»، «ویژگی‌های ساختاری» و «ویژگی‌های اجتماعی» رتبه‌های اول تا سوم را در مدل به دست آوردند. از ابعاد عوامل محیطی «عوامل اقتصادی»، «عوامل فرهنگی»، «عوامل اجتماعی»، «عوامل سیاسی» و «عوامل فناوری»، رتبه‌های اول تا پنجم را در مدل دارند.

کلید واژه‌ها

مشارکت شهروندان، نظارت عمومی، عوامل محیطی، مدیریت دولتی نوین، کاهش جرایم.

۱- استادیار مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول (hajieh_rajabi@yahoo.com)

۲- دانشیار مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران، تهران، ایران.

به‌طور کلی اهمیت مشارکت مردمی تا حدی است که قانون‌گذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی، تصریح به مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش کرده است و نیز در اصل شش قانون مذکور تصریح به اداره امور کشور با اتکای به آرای عمومی کرده و یکی از راه‌های مشارکت مردم در حکومت را برگزاری انتخابات یا همه‌پرسی اعلام کرده است. مشارکت حقیقی مردم در تعیین سرنوشت خود زمانی محقق می‌شود که جز شرایطی از قبیل سن داوطلبان یا میزان تحصیلات آنها و نداشتن سوء پیشینه کیفری در جرایم عمومی محدودیت دیگری برای انتخاب شونده‌گان قایل نشویم.^۱ همچنین در ماده ۱۹۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ در ادامه بند «ه» این ماده چنین آمده و بر این مسئله تأکید شده است که؛ اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی، از جمله اهداف توسعه‌ای دولت به‌شمار می‌آید. مشارکت واقعی وقتی امکان‌پذیر است که رابطه حکومت‌کنندگان و حکومت‌شونده‌گان دو طرفه بوده و تصمیم‌گیری‌های دولت مبتنی بر خواسته‌ها و نظریات مردم و شرایط محلی و قومی خاص باشد. به‌علاوه اجازه فعالیت به سازمان‌های مردمی را بدهد و نقش مؤثری برای آنها در نظام تصمیم‌گیری قایل باشد.

همچنین علاوه بر موارد ذکر شده، بر اساس نتایج بسیاری از تحقیقات، امکان وجود رابطه موثق میان نظارت همگانی بر عملکرد پلیس با احساس امنیت اجتماعی، منطقی و قابل اثبات است. مراکز نظارت همگانی پلیس، امکان تماس نزدیک و آسان‌تر میان مردم و پلیس را فراهم آورده‌اند و همین موضوع می‌تواند تأثیرات به مراتب بیشتری در ایجاد احساس امنیت داشته باشد. تحقیقات نشان داد، برنامه‌هایی که برای تقویت کمی و کیفی ارتباط پلیس با مردم طراحی می‌شود، تأثیر موفقیت‌آمیزی در کاهش احساس ناامنی داشته است و نیز هرچقدر سطح تماس و دسترسی مردم با پلیس بیشتر باشد، به تبع آن مردم احساس امنیت بیشتری خواهند داشت (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از پناهی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱).

۱- دیدگاه‌های جهان‌شمول حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (مطابق با ۱۳۲۷/۹/۱۹ شمسی) منشوری برای وحدت بشریت تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رساند.

این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا در سال‌های اخیر یکی از موضوعات مهمی که در بین کشورهای آزاد و دموکراتیک اهمیت زیادی یافته است، بحث مشارکت عمومی مردم، چه در حوزه اداره امور عمومی و چه در حوزه کارکردهای پلیسی است. مشارکت مردم در امور عمومی به هر نحوی که باشد، چه در قالب نظرخواهی و مشاوره و چه شرکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی اگر درست به کار گرفته شود، آثار و پیامدهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱. پذیرش مسئولیت، مشارکت مردم را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرد.
۲. انگیزش برای یاری دادن، مشارکت مردم را به یاری دادن برمی‌انگیزد. مردم از طریق مشارکت قابلیت‌های ابتکار و آفرینندگی خود را برای دستیابی به اهداف سازمان به کار می‌گیرند.
۳. مشارکت عامل تقویت بنیان‌های اعتقادی و عامل بروز شکوفایی افکار و ایده‌ها است.
۴. مشارکت مردمی، ارتباط از پایین به بالا را آسان‌تر می‌کند.
۵. مشارکت مردمی می‌تواند باعث ایجاد انگیزه و همکاری بیشتر بین افراد شود (طوسی، ۱۳۸۲، ص ۳۳-۳۵).

هدف این پژوهش طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی بر اساس دیدگاه مدیریت دولتی نوین با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که چه مدلی را می‌توان برای مشارکت شهروندان در نظارت عمومی با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم طراحی کرد.

پیشینه تحقیق

راملا و رز^۱ (۲۰۰۰) مشارکت را به عنوان نوعی کنش ارتباطی نیز در نظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است. گائوتری^۲ (۱۹۸۶) در تعریف مشارکت می‌گوید: «مشارکت

1 - Ramella and Rose

2 - Gaotri



فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در تمامی مراحل توسعه است.»

بنی اسدی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه» نشان می‌دهند که نظارت همگانی، اهرم مثبت و مؤثری است که با توسل به آن، رضایت‌مندی افراد جامعه از امنیت، جامعه‌پذیری فعالانه و مثبت آحاد اجتماع، ظهور و شکوفایی پدیده اعتماد متقابل در جامعه، تعامل گسترده مردم با پلیس، مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی شهروندان، تضمین سلامت و تکامل ساختار شخصیت افراد جامعه تحقق می‌یابد.

غفاری (۱۳۸۶) تحقیق دیگری با عنوان «تأثیر نظارت همگانی بر احساس امنیت از دیدگاه جامعه‌شناسی» به روش پیمایشی انجام داده است که نتایج آن نشان می‌دهد، ارتباط شدیدی میان عملکرد مرکز نظارت همگانی در شرایط و موقعیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با احساس امنیت اجتماعی برقرار است.

میلبراث و گوئل (۱۹۷۷) تحقیقی در بریتانیا انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مشارکت مردان از زنان بیشتر است و همین طور کسانی که متأهل بوده‌اند و تحصیلات بیشتری دارند، مشارکت بیشتری داشتند؛ البته تحقیقات بعدی افرادی چون پیپانوریس (۱۹۹۱) نشان داد که این شکاف‌ها به تدریج با نزدیک شدن به قرن بیست و یکم بیشتر شده است (راش، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰).

پوتنام (۲۰۰۰) و ماکدو^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقی ابزار نگرانی کرده‌اند که مشارکت سیاسی و شهروندی در آمریکا رو به کاهش است و پایه‌های دموکراسی در حال تزلزل هستند. نتیجه این مطالعات نشان داده است که نسل جوان در کشور آمریکا نسبت به فعالیت‌های سیاسی و عمومی از دانش و اشتیاق اندکی برخوردار هستند.

در تحقیقی که توسط وایت و برون^۲ (۲۰۰۷) صورت گرفته است، به این نتیجه رسیدند که درگیری دست اندرکاران و مجریان در مباحث عمومی، فرآیند تصمیم‌گیری را با پیچیدگی روبرو می‌کند و آنها در این تحقیق با درگیر کردن ذینفعان و شهروندان

1 - Macedo

2- White & Bourne

به عنوان مشارکت کنندگان بر طرح ایده‌ال کردن ارزش‌ها تأکید کردند، زیرا مجریان بر هدف‌ها به توافق رسیدند.

تحقیقی که توسط فیو فینگ^۱ (۲۰۰۹) در چین صورت گرفته است، موانع اصلی مشارکت شهروندان در سیاست‌های عمومی را شامل این موارد برشمرده است؛ ۱- محدودیت‌هایی که برای شهروندان است؛ اغلب سیاستگذاران عمومی از اطلاعات حرفه‌ای قوی برخوردار هستند و عامه مردم اغلب نمی‌توانند اطلاعات موجود را با کیفیت و استانداردهای سیاست‌های دولت درک کنند. ۲- نمایندگانی که در سیاست‌گذاری عمومی دخالت دارند فاقد شرایط نمایندگی و جامعیت هستند. ۳- ذینفعان فاقد آزادی بیان هستند. ۴- تأثیرات مشارکت شهری ضعیف است، چون دستگاه‌های مناسب و برنامه نظارتی مناسب وجود ندارد. ۵- از حقوق شهروندان برای مشارکت به دشواری می‌توان حمایت کرد، در واقع نظام موجود نمی‌تواند نیازهای شهروندان را برای مشارکت برآورده کند.

بالو^۲ (۲۰۰۹) به بررسی «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در ساحل عاج» پرداخته است، هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در ساحل عاج بوده است. این بررسی توسط کمیسیون اروپا و مرکز تحقیقات اجتماعی و اقتصادی ساحل عاج صورت گرفته است. جامعه آماری شامل منطقه آبیجان از قاره آفریقا بوده است. در مجموع ۶۵۴۵ فرد مورد مطالعه قرار گرفتند، این بررسی با روش مطالعه موردی انجام شده است که از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مردان نسبت به زنان بیشتر مشارکت دارند و همچنین کارمندان و بازنشستگان نسبت به بیکاران مشارکت بیشتر دارند. سطح آموزش، سواد، سن، دانشگاه محل تحصیل، احزاب سیاسی، علاقه به سیاست، رضایت از دموکراسی و رضایت از دولت نیز در مشارکت شهروندان مؤثر است. دانیل لرنر در مطالعات خود در شش کشور خاورمیانه، مدلی ساخته است که به مشارکت منجر شده است؛ از شهرنشینی که باعث افزایش

1-Fu-feng
2- BALLO



سطح سواد و مشارکت رسانه‌ای شده و در نهایت به افزایش مشارکت اجتماعی - سیاسی منتهی می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷).

یکی از مهم‌ترین مشارکت‌های اجتماعی از سوی شهروندان، همکاری با پلیس برای افزایش امنیت در منطقه زندگی خود است. همکاری افراد و رفتار مشارکتی آنها با پلیس باعث افزایش قانون‌مداری، ایجاد آرامش در جامعه، ارتقای سطح امنیت و جلوگیری از بروز جرم و بزه می‌شود. در تحقیقی که بخشی و دوستدار (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد مراکز نظارت همگانی (سامانه ۱۹۷) ناجا در ارتقای احساس امنیت اجتماعی» انجام داده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که براساس تحلیل رگرسیونی، بین متغیرهای مستقل ناشی از عملکرد مراکز نظارت همگانی؛ توانمندی و کارآمدی، حمایت از حقوق شهروندی (پاسخگویی)، شفافیت سازمانی و اعتمادسازی، در سطح اطمینان ۰/۹۹ با متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی)، رابطه‌ای معنادار، مثبت و قوی داشته‌اند.

هانتینگتون و نلسون^۱ توسعه را از مجرای تحرک اجتماعی و مجرای سازمانی می‌دانند. در بحث تحرک اجتماعی، متغیرهای منزلتی میزان سواد و تحصیلات بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارند و مجرای سازمانی به معنی عضویت و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (رضایی، ۱۳۷۵، ص ۵۰). لیپست^۲ با مطالعه در کشورهای مختلف، متغیرهای جنس، سواد، شهرنشینی، سن، وضعیت تأهل، منزلت بالای اجتماعی و عضویت در سازمان‌های غیردولتی را به عنوان عوامل مهم در ایجاد و افزایش مشارکت اجتماعی دانسته است (رسول زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۶). تحقیقی توسط دالمانز و همکارانش (۲۰۰۸) درباره مشارکت اجتماعی و افراد فاقد تکلم انجام شد و در نتیجه یکپارچگی اجتماعی و انجام فعالیت‌های روزمره این افراد مناسب تشخیص داده شد و مشخص شد که آنها با مشارکت اجتماعی رابطه‌ای مثبت داشته‌اند. در تایوان موضوع مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی از سوی کوو و همکارانش (۲۰۰۸) بررسی و نتیجه گرفته شد که کنش متقابل مطلوب در خانواده بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار بوده، باعث افزایش مشارکت اجتماعی می‌شود. نظارت

1 - Huntington & Nelson

2 - Lipset

شهروندی بخشی از مشارکت مردم در اداره امور کشور است، از طریق نظارت، فرصت‌هایی به وجود می‌آید تا میزان دقت پیش‌بینی‌ها ارزیابی شود، انحرافات مشخص شود و اقدامات اصلاحی اعمال شود (زاهدی، ۱۳۸۹، ص ۷۰). مشارکت و نظارت شهروندی به طور معمول به اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های بخش عمومی منجر می‌شود (کینگ و استیور،^۱ ۱۹۹۸؛ اسپاکتر،^۲ ۱۹۹۸). یکی از مهمترین این بخش‌ها در حوزه خدمات عمومی، فعالیت پلیس است. اگرچه پلیس بنا به وظایف ذاتی و قانونی خود با اخلاگران نظم و امنیت برخورد می‌کند و متناسب با شاخص‌های موجود، تاکنون امنیت قابل قبولی را در جامعه برقرار کرده است، اما پژوهش‌های مختلف از طریق مراجعه به افکار عمومی، این واقعیت را نشان می‌دهند که احساس امنیت اجتماعی به اندازه امنیت عینی وجود ندارد و این امر حاکی از مسئله‌دار بودن احساس امنیت اجتماعی در کشورمان است، توجه روزافزون به این مسئله از طریق بازنگری در رویکردها و نیز با چرخش از دکتترین و گفتمان امنیتی سنتی (تهدید محور) به گفتمان امنیتی مدرن در سال‌های اخیر آشکار شد. از جمله این تحولات راهبردی، می‌توان به اتخاذ رویکرد پلیس جامعه محور (جامعه مسئول، پلیس پاسخگو) اشاره کرد. در اجرای رویکرد جامعه محوری، مردم نقش مهمی در تأمین و حفظ امنیت دارند، یکی از روش‌های تحقق این نقش، می‌تواند مشارکت شهروندان در فرایند «نظارت همگانی بر عملکرد پلیس» باشد. این نوع از مشارکت به افزایش احساس مسئولیت، تعلق خاطر و هویت در شهروندان منجر شده و در نهایت، احساس امنیت روانی و آسایش در جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت.

نقش دولت در دیدگاه مدیریت دولتی نوین، هدایت کردن به جای راندن، توانمند سازی به جای خدمت رسانی، بودجه برای نتایج به جای بودجه برای درونداها، برآوردن نیازهای مشتریان به جای نیازهای بوروکراسی، ایجاد درآمد به جای هزینه کردن، پیشگیری به جای درمان، مشارکت به جای روابط سلسله مراتبی و حاکمانه را سرمشق خود قرار می‌دهد.

1 - King & Stivers

2 - Schacter



هایز و کیرنی^۱ (۱۹۹۷) نیز با بررسی آثار منتشرشده در مورد مدیریت دولتی نوین، اصل این رویکرد را به شرح زیر ارائه کردند:

- ۱- کوچک سازی: کاهش اندازه دولت؛
 - ۲- مدیریت گرایی: به کارگیری اصول مدیریت بازرگانی در دولت؛
 - ۳- تمرکززدایی: نزدیک‌تر کردن تصمیم‌گیری به دریافت کنندگان خدمات؛
 - ۴- بوروکراسی‌زدایی (حذف دیوان‌سالاری): بازسازی دولت با تأکید بر نتایج به جای فرایندها؛
 - ۵- خصوصی سازی: هدایت تولید کالاها و خدمات به بیرون از مؤسسات دولتی (تولید کالاها و خدمات به وسیله شرکت‌های غیردولتی).
- انواع نظارت از دیدگاه بازیگران خطمشی: با توجه به نقش بازیگران خطمشی و حضوری که در این مرحله ایفا می‌کنند، می‌توان سه نوع نظارت را برشمرد:

۱- **نظارت اداری:** این نوع نظارت از نوع نظارت درونی بوده و معمولاً توسط مجریان رسمی خط مشی‌ها اجرا می‌شود، ممکن است نظارت اداری توسط نهادها و مقامات رسمی و حتی بوروکراسی‌ها انجام شود یا این که از طریق عقد قرارداد و یا برون‌سپاری با بخش‌های خارجی از سازمان‌های رسمی صورت گیرد. کار ارزیابی رسمی، فنی و تخصصی است و علاوه بر آن، با توجه به محرمانه بودن بعضی اطلاعات دولتی، معمولاً توسط سازمان‌های خاص صورت می‌گیرد و قابل برون‌سپاری یا روش‌های دیگر نیست.

۲- **نظارت قضایی:** این نوع نظارت بر ابزارهای خطمشی متمرکز است و سازوکاری را به کار می‌گیرد که از صحت اجرای خطمشی اطمینان حاصل شود. نظارت بر رعایت قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها از موضوع این ارزیابی محسوب می‌شود. در قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل ۱۵۶، علاوه بر وظیفه عام دادگاه‌ها که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی است، دیوان عدالت اداری و سازمان‌های بازرسی کل کشور نیز نظارت قضایی را اعمال می‌کنند.

1- Hays and Kearney

۳- نظارت سیاسی: این نوع نظارت بیشتر بر رابطه دولت و ملت متمرکز است و تجلی آن در رفتارهای جمعی مردم در تأیید یا تکذیب رفتارهای دولت نمود پیدا می‌کند. گرچه معیارهای دقیقی برای اندازه‌گیری و روش‌های دقیقی برای نظارت سیاسی وجود ندارد اما به طور کلی می‌توان فهمید که کدام رفتارهای مردم از نوع تأییدی است و به معنی افزایش مقبولیت دولت بوده و اقتدار آن را افزایش می‌دهد. اعتصاب‌ها و اعتراض‌های عمومی نوعی از شاخص‌ها برای ارزیابی‌های سیاسی هستند که از نوع رفتارهای اعتراضی محسوب می‌شوند. تحلیل آثار سیاسی در ارزیابی سیاسی کار مشکلی است و معمولاً شاخص دقیقی برای آن وجود ندارد اما عده‌ای از تحلیل‌گران در تلاش برای ارائه شاخص‌های سیاسی هستند (دانش فرد، ۱۳۹۲، ص ۱۷۴-۱۷۹).

الگوهای مشارکت

پس از ارائه الگوی مشارکتی شری ارنشتاین^۱ در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد.

دو پله اول، اصلاً شکلی از مشارکت مردمی را دارا نیست و فقط جنبه‌های فریبکاری و دستکاری مردمی را در خود دارد. سطح میانی که سه پله دارد به انتقال اطلاعات و دریافت پیشنهادهای می‌پردازد، اما ضمانتی بر اعمال نظرات و پیشنهادات وجود ندارد و شکل یک طرفه‌ای دارد. اما مرحله سوم که کنترل شهروندی را شامل می‌شود، شامل شراکت، تفویض اختیار و کنترل شهروندی است. در این مرحله شهروندان به کار مسئولین شهری نظارت و مدیریت دارند، نکته مهم این است که ایجاد مشارکت شهروندی به صورت پله‌ای و سلسله مراتبی است و بودن در هر مرحله، دلیلی بر حرکت رو به رشد پله‌های مشارکتی است.

الگوی مشارکتی دیوید دریسکل^۲ (۲۰۰۲) معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

الف) توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد.

1 - Sherry Arnstein
2 - David Driskell



ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند.

ج) مردمی که بیشترین تاثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری دارند.

از نظر دریسکل، اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی‌تر «مشارکت» و «عدم مشارکت» جای می‌گیرد. می‌توان قلمرو مشارکت و عدم مشارکت را از هم جدا کرد.

الگوی ابعاد کلیدی مشارکت از دیدگاه دریسکل و نیما (۲۰۰۹)، بر کارهای مشارکتی روزانه در جوامع و سازمان‌های جامعه محور تمرکز دارند و چارچوبی را توسعه دادند که مشارکت را به عنوان کار معنایی شکل گرفته توسط پنج بعد هم‌پوشان ارائه داده است.

۱. هنجاری؛

۲. ساختاری؛

۳. عملیاتی؛

۴. فیزیکی؛

۵. نگرشی.

این عوامل مشترکاً بسیار فعال و سازنده بوده و ظرفیت ساخت و بازگردان فضاهای جدید برای مشارکت با معنای جوانان را دارد. در صورتی که فقدان یک یا چند بعد کار مشارکتی را فلج نکند، مشارکت با معنی جوانان فراتر از تجارب اتفاقی می‌تواند در وجود تمامی پنج بُعد، توسعه یافته و باقی بماند.

چارچوب نظری

در راستای شناسایی و انتخاب ابعاد مورد نظر این پژوهش برای تبیین مؤلفه‌های مشارکت شهروندان در نظارت عمومی بر اساس دیدگاه مدیریت دولتی نوین با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم به چارچوب نظری متغیرها می‌پردازیم. چارچوب

نظری مشارکت شهروندان از دیدگاه محققان شامل؛ عفتی (۱۳۷۱)، کلدی (۱۳۸۰)، علوی تبار (۱۳۷۸)؛ متغیر «درآمد»، لیپست، لرنر، هانتینگتون، میل برات، عفتی (۱۳۷۱)، محسنی (۱۳۷۴)، استانداری گلستان (۱۳۷۸)، علوی تبار (۱۳۷۸)، حسینی (۱۳۸۴)؛ متغیر «تحصیلات»، لیپست، متغیر «نژاد»، لیپست؛ عفتی (۱۳۷۱)، استانداری گلستان (۱۳۷۸)، علوی تبار (۱۳۷۸)، حسینی (۱۳۸۴)؛ متغیر «شغل»، لیپست، علوی تبار، محسنی (۱۳۷۴)، کلدی (۱۳۸۰)، عنبری (۱۳۷۷)، نیازی (۱۳۸۰)، مرکز مطالعات و آمار استرالیا، حسینی (۱۳۸۴)؛ متغیر «جنسیت»، لیپست، علوی تبار، محسنی (۱۳۷۴)، کلدی (۱۳۸۰)، نیازی (۱۳۸۰)، مرکز مطالعات و آمار استرالیا، جامعه شناسان هلندی، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)، علوی تبار (۱۳۷۸)؛ متغیر «سن»، لیپست، راجرز، سومبارت، لرنر، توسلی، عنبری (۱۳۷۷)، توسلی (۱۳۸۲)، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری (۱۳۷۵)؛ متغیر «محل سکونت»، لیپست، کلدی (۱۳۸۰)؛ متغیر «سابقه سکونت»، لیپست، وینر، اسملسر، نظری (۱۳۷۶)، محمدی (۱۳۷۶)، دیانتی‌زاده (۱۳۸۲)، مرکز آمار استرالیا؛ متغیر «وضعیت و نوع جامعه»، لیپست، کلدی (۱۳۸۰)، محسنی (۱۳۷۴)، استانداری گلستان (۱۳۷۸)؛ متغیر «وضعیت تأهل»، لیپست، سومبارت، اسملسر، هانتینگتون، نلسون، میل برات، لرنر و ملک‌پور، گی روشه، مازلو، محسنی (۱۳۷۴)، دیانتی‌زاده (۱۳۸۲)، بحرینی و امینی (۱۳۸۰)، کمیسیون بانوان وزارت کشور (۱۳۷۹)؛ متغیر «عضویت در سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌ها»، هیگن، میل برات و گوئل، توسلی و مقنی‌زاده (۱۳۷۵)، محسنی (۱۳۷۴)، مرکز مطالعات و آمار استرالیا، توسلی (۱۳۸۲)؛ متغیر «ویژگی‌های شخصیتی»، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)، علوی تبار (۱۳۷۸)، حسینی (۱۳۸۴)، عنبری (۱۳۷۷)؛ متغیر «پایگاه اقتصادی-اجتماعی»، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)، علوی تبار (۱۳۷۸)؛ متغیر «اعتماد اجتماعی»، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)؛ متغیر «آگاهی اجتماعی»، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)؛ متغیر «رضایت اجتماعی»، عنبری (۱۳۷۷) متغیر «مذهب» است.

چارچوب نظری مدیریت دولتی نوین از دیدگاه محققان، «مشتري مداری» شامل دو جز اصلی «بهبود کیفیت خدمات» از دیدگاه پولیت (۱۹۹۵، ۱۹۹۳، ۲۰۰۷) و «استفاده از منشور خدمات» از دیدگاه بورینز (۱۹۹۴)، فیرفلی و همکاران (۱۹۹۶)، کیتل (۲۰۰۰)، «استفاده از مدیریت حرفه‌ای در بخش دولتی» از دیدگاه هود (۱۹۹۴)، «معیارها و اندازه‌گیری صریح عملکرد» جز اصلی‌اش خریدار، پیش‌بینی بخش‌های



دوگانه از دیدگاه هود (۱۹۹۴)، پولیت (۱۹۹۳، a۲۰۰۷)، «تأکید بیشتر بر کنترل برون داد» از دیدگاه هود (۱۹۹۴)، «حرکت به سمت جداسازی واحدها در بخش دولتی» اجزای اصلی آن شامل؛ تفکیک واحدها در بخش دولتی، تفکیک واحدها مبتنی بر محصول، جداسازی اشکال سازمانی از دیدگاه هود (۱۹۹۴) و کیتل^۱ (۲۰۰۰)، «حرکت به سوی رقابت بیشتر در بخش دولتی» با اجزای اصلی؛ تغییر جهت به سمت رقابت بیشتر، تغییر جهت به سمت رقابت بیشتر در بخش دولتی، روند رقابتی در بخش عمومی از دیدگاه هود (۱۹۹۴) و پولیت^۲ (a۲۰۰۷)، «تأکید بر سبک‌های مدیریت بخش خصوصی» با اجزای اصلی؛ دور شدن از اصول خشک دولتی، انعطاف‌پذیری در استخدام، ارزیابی عملکرد و پرداخت مبتنی بر شایستگی از دیدگاه هود (۱۹۹۴) و بورینز^۳ (۱۹۹۴) هود و دانلیوی^۴ (۱۹۹۴)، «تأکید بر انضباط و جلوگیری از اسراف در استفاده از منابع» با اجزای اصلی؛ کاهش هزینه‌های مستقیم، افزایش انضباط کارکنان، به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات از دیدگاه هود (۱۹۹۴)، «کوچک‌سازی» با اجزای اصلی؛ افزایش انعطاف، حداقل مداخله دولت و حداکثر نقش بازار، کاهش اندازه دولت از دیدگاه هایز و کیرنی (۱۹۹۷)، «مدیریت گرای» با اجزای اصلی؛ کنترل سازمان‌های دولتی، اجرای دقیق نقش حرفه‌گرایی، توسعه به روز شدن مدیر و به کارگیری فناوری‌های پیچیده، مدیریت، کنترل خروجی از دیدگاه هایز و کیرنی (۱۹۹۷)، هود و دانلیوی (۱۹۹۴)، فیولی و همکاران^۵ (۱۹۹۶) و آزبورن و گیلبر^۶ (۱۹۹۲) است.

ابعاد مدیریت دولتی نوین از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف (مشتری مداری، استفاده از مدیریت حرفه‌ای در بخش دولتی، معیارها و اندازه‌گیری صریح عملکرد، تأکید بیشتر بر کنترل برون‌داد، حرکت به سمت جداسازی واحدها در بخش دولتی، حرکت به سوی رقابت بیشتر در بخش دولتی، تأکید بر انضباط و جلوگیری از اسراف در استفاده از منابع، کوچک‌سازی، مدیریت گرای، تمرکززدایی، مقررات‌زدایی «دیوان‌سالاری‌زدایی» و

1 - Kettl

2 - Pollitt

3 - Borins

4 - Dunleavy

5 - Ferlie et al

6 - Osborne and Gaebler

خصوصی‌سازی) است. در میان چارچوب‌های نظری مدیریت دولتی نوین به نظر می‌رسد که چارچوب هایز و کیرنی کامل‌تر باشد.

انواع نظارت بر اساس بازیگران خط‌مشی‌گذاری شامل؛ نظارت اداری، نظارت قضایی و نظارت سیاسی است. نظارت اداری دارای بازیگران خط‌مشی الف. نهادها و مقامات رسمی و ب. دیوان محاسبات عمومی در حیطه بودجه می‌باشد. نظارت قضایی دارای بازیگران خط‌مشی، الف. سازمان بازرسی کل کشور ب. دیوان عدالت اداری است. نظارت سیاسی دارای بازیگران خط‌مشی رفتارهای مردم نسبت به دولت می‌باشد که نظارت سیاسی تنها نظارتی است که شهروندان می‌توانند در آن مشارکت داشته باشند.

جدول شماره یک، چارچوب مشارکت شهروندان در نظارت عمومی با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم و جدول شماره دو، چارچوب عوامل محیطی تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در نظارت عمومی آورده شده است.

مشارکت شهروندان در نظارت عمومی: دیدگاه‌های نظری اندیشمندان از جمله؛ لیپست، عفتی، کلدی، هانتینگتون، میل براث و... همچنین دیدگاه صاحب‌نظران ایرانی از جمله؛ علوی تبار، توسلی، عنبری، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده و... که ابعاد مختلف مشارکت را تبیین کرده‌اند و همچنین تحقیقات انجام یافته در ارتباط با مشارکت (پیشینه تحقیق) موضوع به دقت مورد بررسی قرار گرفتند. براساس مبانی نظری و نتایج مطالعات پیشین به مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی موثر در مشارکت از جمله؛ متغیرهای اجتماعی (شغل، درآمد، ارزش‌ها، تعهدات و منزلت اجتماعی)، متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، سن، تاهل، تحصیلات و عقاید و باورها)، متغیرهای ساختاری (فرهنگ‌ها و باورها، ساختار، فناوری، اهداف و راهبرد) دست یافتیم.

جدول ۱- چارچوب مشارکت شهروندان در نظارت عمومی با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم

مؤلفه‌ها	ابعاد مشارکت شهروندان در نظارت عمومی
<ul style="list-style-type: none"> - شغل - درآمد - ارزش‌ها - تعهدات - منزلت اجتماعی 	ویژگی‌های اجتماعی



مؤلفه‌ها	ابعاد مشارکت شهروندان در نظارت عمومی
<ul style="list-style-type: none"> - جنسیت - سن - وضعیت تأهل - سطح تحصیلات - عقاید و باورها 	ویژگی‌های جمعیت شناختی
<ul style="list-style-type: none"> - فرهنگ‌ها و باورها - ساختار - فناوری - اهداف - راهبرد 	ویژگی‌های ساختاری

در جدول شماره دو عوامل محیطی که روی مشارکت شهروندان در فرآیند نظارت تأثیر می‌گذارند، آورده شده است.

جدول ۲- چارچوب عوامل محیطی تأثیر گذار بر مشارکت شهروندان در نظارت عمومی

مؤلفه‌ها	عوامل محیطی
نرخ تورم - هزینه‌های زندگی - سیاست‌های پولی - نرخ ارز - آزادسازی اقتصادی و لغو انحصارات - جهانی شدن - مسائل اقتصادی بین‌الملل و بحران‌های مالی - نظریه‌های اقتصادی مشخص	عوامل اقتصادی
مشارکت در انتخابات - تعدد مراکز تصمیم‌گیری - نوع دولت و شیوه اداره امور دولتی - میزان آزادی مطبوعات و وجود فضای نقد	عوامل سیاسی
سطح سواد - پای‌بندی به سبک زندگی - مذهب - تنوع فرهنگی	عوامل فرهنگی
اعتماد اجتماعی - ناهنجاری جامعه - بیکاری	عوامل اجتماعی
استفاده از اینترنت - استفاده از سایت اداری - خدمات الکترونیک	عوامل فناوری



شکل ۱- مدل مفهومی

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ انجام تحقیق، یک «پژوهش توصیفی» از نوع «پیمایشی» محسوب می شود.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به منظور طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی بر اساس دیدگاه مدیریت دولتی نوین، مدلی را پیشنهاد می کند، بنابراین برحسب هدف، کاربردی محسوب می شود. از لحاظ روش انجام تحقیق، یک «پژوهش توصیفی» از نوع «پیمایشی»



محسوب می‌شود، زیرا در پی توصیف ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و تبیین ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی به منظور کشف و شناسایی مؤلفه‌ها در قالب طراحی مدل مشارکت شهروندان بوده است.

جامعه آماری اول پژوهش را خبرگان آشنا با ابعاد، مؤلفه‌ها و معیارهای مشارکت شهروندان در نظارت عمومی تشکیل می‌دهند، با توجه به این که خبرگان این پژوهش باید شامل رابطان بین دولت و مردم بوده و کاملاً با این دو بُعد در ارتباط باشند. نمایندگان مجلس به عنوان خبرگان در نظر گرفته شده‌اند که نظرات آن‌ها برای پالایش مدل مفهومی استفاده شده است. در مورد این جامعه از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی در دسترس استفاده شده است و تعداد ۳۰ نفر خبره از نمایندگان مجلس در نمونه مورد آزمون حضور دارند. جامعه آماری دوم این پژوهش شامل افرادی است که به عنوان ارباب رجوع به مجلس شورای اسلامی مراجعه می‌کنند که از نقاط مختلف کشور بودند و برای پیمایش مدل تحقیق از نظرات آن‌ها استفاده شده است. با توجه به فقدان دسترسی به فهرست اعضای جامعه که باید در حوزه مشارکت شهروندان مطلع باشند، جامعه را نامحدود فرض کرده و در این جامعه از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی ساده (دردسترس) استفاده می‌شود و حجم نمونه آن متناسب با تعداد افراد جامعه نامحدود به تعداد ۲۶۶ نفر برآورد شد و در مرحله پردازش داده‌ها پرسشنامه‌ها گردآوری و تحلیل شد.

ابزار اصلی در این پژوهش، پرسشنامه‌ای ۵۵ سؤالی است که با استناد به سنجه‌های اندیشمندان مختلف طراحی شده است. پرسشنامه این پژوهش محقق ساخته است و به منظور بررسی روایی آن از اعتبار محتوا و اعتبار عاملی پرسشنامه استفاده گردیده است. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۱۲ ارزیابی شده است

یافته‌های پژوهش

پیش از آنکه روابط بین متغیرها را آزمون کنیم لازم است تا نرمال بودن متغیرها را بررسی کنیم. یکی از روش‌های بررسی ادعای نرمال بودن توزیع متغیر استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف است. نتایج این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

آیا متغیرهای طراحی شده دارای توزیع نرمال است؟

فرضیه صفر: متغیرهای تحقیق دارای توزیع نرمال هستند.

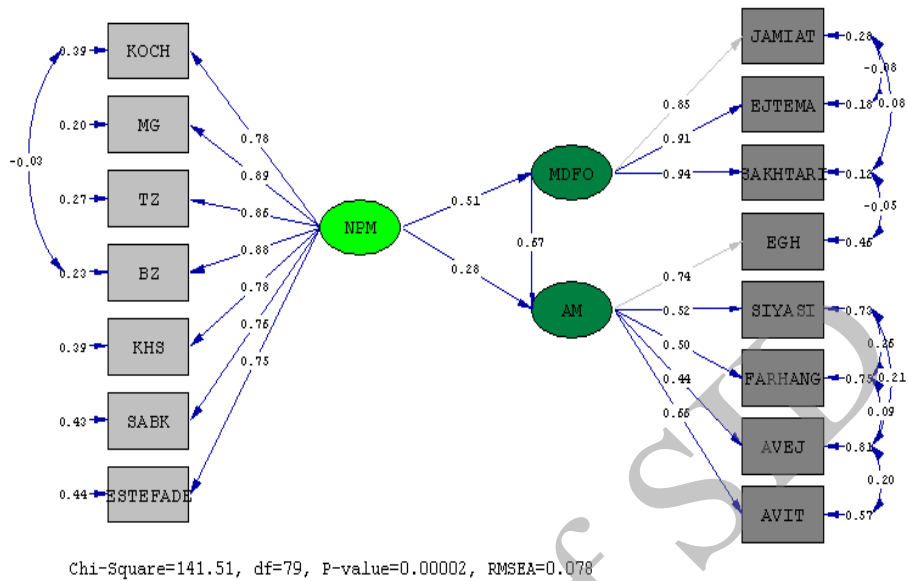
فرضیه یک: متغیرهای تحقیق دارای توزیع نرمال نیستند.

جدول ۳- توزیع نرمال متغیرها

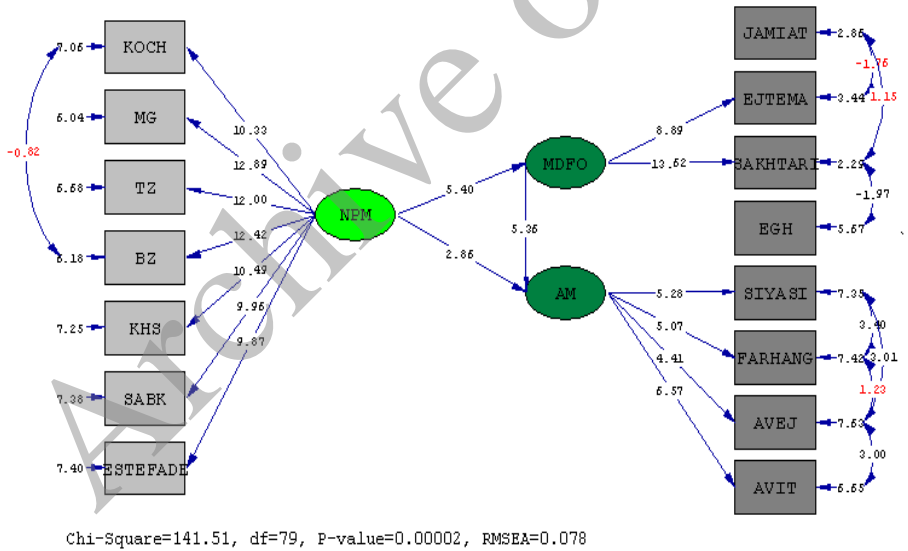
مقدار معنی داری	کولموگروف اسمیرنوف	
۰/۱۸۹	۱/۰۸۶	مدیریت دولتی نوین
۰/۵۶۳	۰/۷۹۹	مشارکت در فرآیند نظارت عمومی
۰/۶۱۸	۰/۷۵۶	عوامل محیطی

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰.۰۵ است و همچنین باید خاطر نشان کرد که نرم افزار اس.پی.اس. طبق قضیه حد مرکزی نتایج این پرسشنامه را نرمال تشخیص داده است، لذا فرضیه صفر یعنی نرمال بودن متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس از تعیین مدل‌های اندازه‌گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا فقدان رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند.

	مؤلفه‌های اصلی
NPM	مدیریت دولتی نوین
Mdfo	مشارکت شهروندان در نظارت عمومی
Am	عوامل محیطی



نمودار ۲- اندازه‌گیری مدل کلی و نتایج فرضیه‌ها در حالت استاندارد



نمودار ۳- اندازه‌گیری مدل کلی و نتایج فرضیه‌ها در حالت معنی‌دار

جدول ۴- شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی تحقیق

IFI	نشانه برازندگی مدل ^۱	شاخص برازندگی تطبیقی ^۲	شاخص نیکویی برازش ^۳	ریشه میانگین مجذورات تقریب ^۴	درجه آزادی ^۵
۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۸۷	۰/۰۷۸	۱/۷۹

همان‌طور که در نمودار شماره دو مشاهده می‌شود، از آنجایی که مقدار مقدار معناداری (P-value) برای تمامی متغیرها خارج از بازه $-1/96$ و $+1/96$ است، معنی‌داری تمامی مسیرها توسط نرم افزار لیزرل مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین شاخص‌های برازش اصلی مدل مانند ریشه میانگین مجذورات تقریب و درجه آزادی در وضع مطلوب و نرمالی قرار دارند و این اعداد در مدل، نشان دهنده برازش در وضع مطلوب مدل مفهومی مورد نظر است. همچنین در مدل فوق نسبت $\frac{\chi^2}{df}$ فاقد یک معیار ثابت برای یک مدل قابل قبول است، اما برای یک ارزش ایده‌آل برابر با ۱ خواهد بود و برای پذیرش مدل باید کمتر از ۳ باشد که در این مدل مقدار آن کمتر از ۲ است که نشان دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد. همچنین شاخص‌های GFI, NFI, CFI, IFI بین صفر و یک هستند و هرچه به یک نزدیکتر باشد، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است.

تعیین و اولویت‌بندی معیارهای مشارکت شهروندان در نظارت عمومی بر اساس دیدگاه مدیریت دولتی نوین

همچنان‌که در جدول شماره پنج نیز دیده می‌شود، معیار تمرکززدایی با وزن نسبی ۰/۲۲۷ بیشترین اهمیت را دارد. بنابراین در بین ابعاد مدیریت دولتی نوین تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در نظارت عمومی بیشترین تأثیر را دارد و بوروکراسی‌زدایی (دیوان‌سالاری زدایی) با وزن نسبی ۰/۲۰۹، در اولویت بعدی قرار دارد. بُعد تأکید بر انضباط و جلوگیری از اسراف در استفاده از منابع با وزن نسبی ۰/۰۵۸ در اولویت آخر قرار دارد. نرخ ناسازگاری مقایسات

1- NFI

2- CFI

3- GFI(Goodness of fit index)

4- RMSEA(Root Mean Square Error of Approximation)

5- df



زوجی ۰/۰۲ به دست آمده است که چون کمتر از ۰/۱۰ است، سازگاری این مقایسات قابل قبول می‌باشد.

جدول ۵- اولویت بندی ابعاد مدیریت دولتی نوین

اولویت	وزن	معیارهای اصلی	ردیف
۶	۰/۰۸۳	کوچک سازی	۱
۴	۰/۱۳۲	مدیریت گرایی	۲
۱	۰/۲۲۷	تمرکز زدایی	۳
۲	۰/۲۰۹	بوروکراسی زدایی (دیوان سالاری زدایی)	۴
۳	۰/۱۵۹	خصوصی سازی	۵
۵	۰/۱۳۱	تأکید بر سبک‌های مدیریت بخش خصوصی	۶
۷	۰/۰۵۸	تأکید بر انطباط و جلوگیری از اسراف در استفاده از منابع	۷

همچنان که در جدول (۶) نیز دیده می‌شود، مؤلفه ویژگی‌های جمعیت شناختی با وزن نسبی ۰/۵۱۹ بیشترین اهمیت را دارد و مؤلفه ویژگی‌های ساختاری با وزن نسبی ۰/۲۸۸. در اولویت دوم و مؤلفه ویژگی‌های اجتماعی با وزن نسبی ۰/۱۹۲ در اولویت آخر قرار دارد. نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی به میزان ۰/۰۰ به دست آمده است که چون کمتر از ۰/۱۰ است، سازگاری این مقایسات قابل قبول می‌باشد.

جدول ۶- اولویت بندی مؤلفه‌های مشارکت شهروندان در نظارت عمومی

اولویت	وزن	معیارهای اصلی	ردیف
۱	۰/۵۱۹	ویژگی‌های جمعیت شناختی	۱
۳	۰/۱۹۲	ویژگی‌های اجتماعی	۲
۲	۰/۲۸۸	ویژگی‌های ساختاری	۳

چنان که در جدول شماره هفت نیز دیده می‌شود، با توجه به نتایج، عوامل اقتصادی با وزن نسبی ۰/۲۸۹ بیشترین اهمیت را در بین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در نظارت عمومی دارد و عوامل فرهنگی با وزن نسبی ۰/۲۲۵ در اولویت بعدی قرار دارد. عوامل فناوری با وزن نسبی ۰/۱۱۵ در اولویت آخر قرار دارد. نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی ۰/۰۳ به دست آمده است که چون کمتر از ۰/۱۰ است، سازگاری این مقایسات قابل قبول می‌باشد.

جدول ۷- اولویت‌بندی عوامل محیطی تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در نظارت عمومی

اولویت	وزن	معیارهای اصلی	ردیف
۱	۰/۲۸۹	عوامل اقتصادی	۱
۴	۰/۱۸	عوامل سیاسی	۲
۲	۰/۲۲۵	عوامل فرهنگی	۳
۳	۰/۱۹۱	عوامل اجتماعی	۴
۵	۰/۱۱۵	عوامل فناوری	۵

بحث و نتیجه گیری

از آنجا که مقدار معنی‌داری برای تمامی متغیرها خارج از بازه $-۱/۹۶$ و $+۱/۹۶$ می‌باشد، معنی‌داری تمامی مسیرها توسط نرم‌افزار لیزرل مورد تأیید قرار گرفته و رابطه رد شده‌ای در این پژوهش وجود ندارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده از ماتریس مقایسات زوجی، اهمیت هریک از ابعاد مدیریت دولتی نوین، به شرح زیر است:

تمرکز زدایی با وزن $۰/۲۲۷$ دارای بیشترین ضریب اهمیت و به عنوان اولین اولویت و مقررات‌زدایی (دیوان‌سالاری زدایی) با وزن $۰/۲۰۹$ به‌عنوان دومین اولویت، خصوصی‌سازی با وزن $۰/۱۵۹$ به عنوان سومین اولویت، مدیریت‌گرایی با وزن $۰/۱۳۲$ به عنوان چهارمین اولویت، تأکید بر سبک‌های مدیریت بخش خصوصی با وزن $۰/۱۳۱$ به‌عنوان پنجمین اولویت، کوچک‌سازی با وزن $۰/۰۸۳$ به عنوان پنجمین اولویت، همچنین تأکید بر انضباط و جلوگیری از اسراف در استفاده از منابع با وزن $۰/۰۵۸$ دارای کمترین ضریب اهمیت است.

نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که جنسیت (ویژگی‌های جمعیت شناختی) با میانگین $۳/۲۸$ نشان دهنده این است که مردان راحت‌تر از زنان در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه تحقیق شفيعی (۱۳۸۵)، نوروزی و همکاران (۱۳۸۸)، خراسانی و همکاران (۱۳۹۰)، میلبراث و گوئل (۱۹۷۷) همسو است و با تحقیق رضادوست و همکاران (۱۳۸۸) همسو نیست. سن (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی) با میانگین $۳/۲۷$ نشان دهنده این است که افراد سن بالا بیشتر از افراد سن بالا در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه تحقیقات فرهادی (۱۳۸۵)، شفيعی (۱۳۸۵) و خراسانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. وضعیت تأهل (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی) با میانگین $۳/۲۵$ نشان دهنده این است که متأهل‌ها بیشتر از مجردها در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه



تحقیقات فرهادی (۱۳۸۵)، شفیع (۱۳۸۵)، رضادوست و همکاران (۱۳۸۸)، خراسانی و همکاران (۱۳۹۰) و میلبراث و گوئل (۱۹۷۷) همسو است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که شغل (ویژگی‌های اجتماعی) با میانگین ۳/۴۶ نشان دهنده این است که افراد با شغل مهمتر بیشتر از افراد با شغل کم اهمیت در نظارت عمومی مشارکت دارند. درآمد (ویژگی‌های اجتماعی) با میانگین ۳/۱۳ نشان دهنده این است که افراد با درآمد بالاتر بیشتر از افراد با درآمد پایین تر در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه تحقیقات شفیع (۱۳۸۵)، نوروزی و همکاران (۱۳۸۸)، خراسانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که اهداف (ویژگی‌های ساختاری) با میانگین ۳/۰۷ نشان دهنده این است که هرچه اهداف دولت مشخص باشد، افراد بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند. راهبرد (ویژگی‌های ساختاری) با میانگین ۳/۶۶ نشان دهنده این است که هرچه راهبردهای دولت مشخص باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از ماتریس مقایسات زوجی، اولویت مؤلفه‌های «مشارکت شهروندان در نظارت عمومی» هریک به شرح زیر به دست آمده است:

ویژگی‌های جمعیت شناختی با وزن ۰/۵۱۹ دارای بیشترین ضریب اهمیت و بعد از آن در اولویت دوم ویژگی‌های ساختاری با وزن ۰/۲۸۸ و ویژگی‌های اجتماعی با وزن ۰/۱۹۲ دارای کمترین ضریب اهمیت می‌باشد.

از لحاظ ویژگی‌های جمعیت شناختی، زیر معیارهای سن و جنسیت با وزن ۰/۵۰۷ و ۰/۳۴۰ در اولویت‌های اول و دوم و زیر معیار وضعیت تأهل با وزن ۰/۱۵۲ در اولویت سوم قرار دارد. نتایج حاصل از تحقیق درباره جنسیت با نتیجه تحقیقات لیپست، علوی‌تبار، محسنی (۱۳۷۴)، کلدی (۱۳۸۰)، عنبری (۱۳۷۷)، نیازی (۱۳۸۰)، مرکز مطالعات و آمار استرالیا و حسینی (۱۳۸۴) همسو است. زیر معیار سن با نتیجه تحقیقات لیپست، علوی‌تبار، محسنی (۱۳۷۴)، کلدی (۱۳۸۰)، نیازی (۱۳۸۰)، مرکز مطالعات و آمار استرالیا، جامعه‌شناسان هلندی، ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)، علوی‌تبار (۱۳۷۸) همسو است و زیر معیار وضعیت تأهل با نتیجه تحقیقات لیپست، کلدی (۱۳۸۰)، محسنی (۱۳۷۴) و استانداری گلستان (۱۳۷۸) همسو است.

زیرمعیار شغل و درآمد از ویژگی‌های اجتماعی با اوزان $0/6$ و $0/4$ در اولویت‌های اول و دوم قرار دارند. در این تحقیق زیرمعیار شغل (که بر اساس سلسه مراتب افراد در شغل‌شان می‌باشد). با نتیجه تحقیقات لیپست، عفتی (۱۳۷۱)، استانداری گلستان (۱۳۷۸)، علوی تبار (۱۳۷۸) و حسینی (۱۳۸۴) همسو است. زیر معیار درآمد با نتیجه تحقیقات لیپست، هانتینگتون، عفتی (۱۳۷۱)، کلدی (۱۳۸۰)، علوی تبار (۱۳۷۸)، شفیع (۱۳۸۵) و خراسانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است.

زیر معیار اهداف با وزن $0/688$ بیشترین اهمیت را دارد. راهبرد با وزن نسبی $0/313$ در اولویت دوم قرار گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هزینه زندگی (عوامل محیطی اقتصادی) با میانگین $3/88$ نشان دهنده این است که هرچه هزینه زندگی بالاتر باشد، افراد بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند. انحصار دولتی (عوامل محیطی اقتصادی) با میانگین $3/51$ نشان دهنده این است که هرچه انحصار دولتی کمتر باشد، افراد بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه تحقیقات ابراهیم‌زاده و کاظمی‌زاده (۱۳۹۲)، علوی تبار (۱۳۷۸)، حسینی (۱۳۸۴)، عنبری (۱۳۷۷) تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) همسو است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که آزادی مطبوعات (عوامل محیطی سیاسی) با میانگین $3/98$ نشان دهنده این است که هرچه آزادی مطبوعات بیشتر باشد، افراد بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند. شرکت در انتخابات (عوامل محیطی سیاسی) با میانگین $3/46$ نشان دهنده این است که بیشتر افراد علاقمند هستند در انتخابات مشارکت کنند که با نتیجه تحقیقات پوتنام (۲۰۰۰) و ماکدو (۲۰۰۵) غیر همسو است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سطح سواد (عوامل محیطی فرهنگی) با میانگین $3/49$ نشان دهنده این است که افراد با سطح سواد بالا، بیشتر از افراد با سطح سواد پایین‌تر در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه تحقیقات لیپست، لرنر، هانتینگتون، میل براث، عفتی (۱۳۷۱)، محسنی (۱۳۷۴)، استانداری گلستان (۱۳۷۸)، علوی تبار (۱۳۷۸)، حسینی (۱۳۸۴)، فرهادی (۱۳۸۵)، شفیع (۱۳۸۵) و خراسانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. باورهای دینی و مذهبی (عوامل محیطی فرهنگی) با میانگین $3/54$ نشان دهنده این است که تقویت باورهای دینی و مذهبی باعث افزایش مشارکت افراد می‌شود که با نتایج تحقیق عنبری (۱۳۷۷) همسو است.



نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی (عوامل محیطی اجتماعی) با میانگین ۴/۰۱ نشان دهنده این است که هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، افراد بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتایج تحقیقات فرهادی (۱۳۸۵) و گتیلن و دیفرانسیسکو (۱۹۸۴) همسو است. ناهنجاری‌های اجتماعی (عوامل محیطی اجتماعی) با میانگین ۳/۴۶ نشان دهنده این است که افرادی که ناهنجاری ندارند، بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند که با نتیجه تحقیق تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) همسو است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که اینترنت (عوامل محیطی فناوری اطلاعات) با میانگین ۳/۶۶ نشان دهنده این است که افرادی که با اینترنت بیشتر در ارتباط هستند، بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند. خدمات الکترونیکی (عوامل محیطی فناوری اطلاعات) با میانگین ۳/۵۵ نشان دهنده این است که هرچه افراد بیشتر از خدمات الکترونیکی استفاده کنند، بیشتر در نظارت عمومی مشارکت دارند. همچنین اولویت عوامل محیطی تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در نظارت عمومی به شرح زیر به دست آمده است:

عوامل اقتصادی با وزن ۰/۲۸۹ دارای بیشترین و اولین ضریب اهمیت، عوامل فرهنگی با وزن ۰/۲۲۵ به عنوان دومین اولویت، عوامل اجتماعی با وزن ۰/۱۹۱۵ به عنوان سومین اولویت، عوامل سیاسی با وزن ۰/۱۸ به عنوان چهارمین اولویت و در نهایت عوامل فناوری با وزن ۰/۱۱۵ دارای کمترین ضریب اهمیت است.

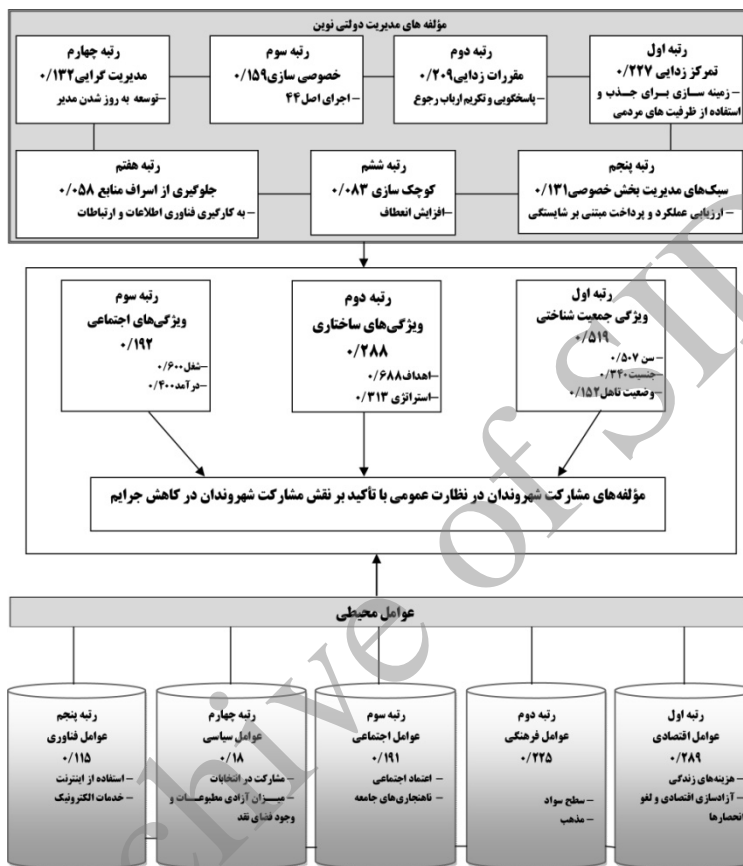
زیرمعیارهای هزینه‌های زندگی و آزادسازی اقتصادی و لغو انحصارات با وزن ۰/۷۳۷ و ۰/۲۶۳ در اولویت‌های اول و دوم قرار دارند که با نتیجه تحقیقات تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) و ربانی و همکاران (۱۳۸۶) همسو است.

انتخابات و میزان آزادی مطبوعات و وجود فضای نقد با اوزان ۰/۶۳ و ۰/۳۷ در اولویت‌های اول و دوم قرار دارند که با نتایج تحقیق خراسانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است.

زیرمعیار سطح سواد با وزن ۰/۵۴۵ بیشترین اهمیت را دارد. مذهب و دین با وزن نسبی ۰/۴۵۵ در اولویت دوم قرار گرفته است که با نتایج تحقیق عنبری (۱۳۷۷) همسو است.

زیرمعیارهای اعتماد اجتماعی و بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جامعه (اعتیاد) با وزن‌های ۰/۷۳۷ و ۰/۲۶۳ در اولویت‌های اول و دوم قرار گرفتند که با نتایج تحقیق تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) همسو است.

زیرمعیارهای استفاده از اینترنت و خدمات الکترونیکی با وزن‌های ۰/۶۹۷، ۰/۳۰۳ در اولویت‌های اول و دوم قرار گرفتند.



نمودار ۲: مدل نهایی تحقیق

پیشنهادها

- با توجه به یافته‌های پژوهش در زمینه فناوری ارتباطات و اطلاعات پیشنهاد می‌شود که امکاناتی را در اختیار شهروندان برای برقراری تعاملی پویا قرار دهند.
- نظارت عمومی را می‌توان ارزیابی شهروندان از فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در حوزه کلان تعریف کرد که می‌تواند به مثابه بازخورد در آسیب‌شناسی دولت و تسهیل فرایندها و افزایش کیفیت خدمات و افزایش مشارکت بسیار مؤثر عمل کند.



- اعتماد میان مردم، پلیس، دولتمردان و نخبگان سیاسی به درستی موجب توسعه سیاسی می‌شود. بنابراین، اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود به گونه‌ای که میزان اعتماد شاخص پایه میزان رشد سیاسی و توسعه اجتماعی به‌شمار می‌آید.
- وجود سازمان معین و فعال برای مشارکت و تمرکز امور مربوط به مشارکت در جامعه.
- به منظور افزایش ظرفیت‌های مشارکت شهروندان و ایجاد بستری برای حضور و مشارکت آن‌ها در هرسازمانی کارگروه تخصصی-مردمی در شش حوزه فرهنگی، اجتماعی، زیست شهری، ورزشی، مدیریت بحران و آموزش شهروندی تشکیل شود.
- جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رساندن نظرات شهروندان.
- تقویت مبانی سیاست‌گذاری در راستای توسعه مشارکت‌های عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
- واگذاری مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در برخی از امور شهری به مردم و اهمیت دادن به پیشنهادهای و نظرات شهروندان در اداره امور شهر به منظور تقویت احساس مالکیت بر محیط شهری در میان آنها.
- با توجه به اینکه هر چه میزان رضایت مردم از خدمات بیشتر باشد، گرایش بیشتری برای مشارکت دارند، بنابراین انجام اقداماتی در راستای افزایش رفاه عمومی و آسایش مردم، توسعه خدمات شهری و امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی و ایجاد مراکزی برای استفاده از پیشنهادهای مردمی در جهت خدمات‌رسانی بهینه می‌تواند در راستای جلب مشارکت بیشتر آنها در امور، مؤثر واقع شود.
- به دلیل اینکه براساس نتایج پیشینه‌ی تحقیق و همچنین مبانی نظری، مأموریت‌های سازمان‌های پلیسی از جمله اولین حوزه‌های تأثیرپذیر از افزایش نظارت شهروندان در اداره امور عمومی است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که مراکز نظارت عمومی پلیس افزایش یافته و با ارائه بازخورد سریع به مردم در مقابل گزارش‌های آنها، زمینه برای افزایش مشارکت مردم با این مراکز فراهم شود.

- تقوایی، مسعود؛ بابانسیب رسول؛ موسوی، چمران (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی منطقه ۴ تبریز. مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۲.
- خراسانی، محمد مظلوم؛ نوغانی، محسن؛ خلیفه، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۵، شماره اول.
- دانش فرد، کرم اله (۱۳۹۲). مبانی خط مشی گذاری عمومی. تهران: نیاز دانش.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست. ترجمه صیوری، تهران: نشر سمت.
- ربانی، رسول؛ عباس زاده، محمد و قاسمی (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری مورد مطالعه شهر اصفهان. مجله علوم اجتماعی، دانشگاه ادبیات فردوسی، سال چهارم.
- رسول زاده، بهزاد؛ صبحانعلی، فروزنده (۱۳۸۰). بررسی علل کاهش مشارکت مردم استان اردبیل. استانداری اردبیل.
- رضائیان، علی (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۰.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۹). نظارت همگانی و توسعه پایدار. همایش نظارت همگانی، ماه پاییز.
- سیف زاده، حسن (۱۳۷۴). نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی‌های سیاسی. تهران: انتشارات قومس.
- شفیعی، شفیع (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل. مجله اینترنتی فصل نو، سال دوم، شماره ۵۰.
- طوسی، محمد علی (۱۳۸۲). مشارکت و مدیریت مشارکت جو. چاپ دوم، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- عنبری، موسی (۱۳۷۷). ارتباط زمینه‌های خانوادگی دانشجویان با مشارکت اجتماعی آنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فرهادی، محمد علی (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۷). طرح بررسی راه‌های جلب مشارکت مردمی در برنامه توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای منطقه گرمسار. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.



- Ballo . Z.(2009). Determinants of political participation in Côte d'Ivoire: the case of voting", Working Paper, CAPEC, CIRES, Abidjan.
- David Driskell (2002): Creating better cities with children and youth – a training manual.
- David Driskell and Kudva Neema (2009): Creating Space for Participation: The Role of Organizational Practice in Structuring Youth Participation. In: Community Development, Vol. 40.
- Fu- Feng GAO,(2009)" Analysis on the major obstacles of public participation in public policy-making", Journal of us – china Public Administration, volom 6,NO 4 ,pp56-60.
- Gaotri, H. (1986), Popular Participation in Development. Paris: Unesco.
- Hays, S.W.; Kearney, R.C. Riding the Crest of a Wave: The National Performance Review and Public Management Reform. International Journal of Public Administration 1997, 20 (1), 11-40.
- Kettl, D. 2000. The global public management revolution: a report on the transformation of governance, Washington, D.C., Brookings Institution Press.
- King, C. S. and Stivers, C. 1998, Government is us: Public administration in an anti- government era, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Macedo,Stephen, Yvette Alex- Assenoh,, Jeffrey, M.Berry, Micheal Brintnall, David E Campbell, luis Ricardo fraga ,Putnam(2005),Democracy at Risk: How political Choices Undermine Citizen participation and what we can do about it . washington, DC,Brookings press.
- Putnam.Robert D.2000. Bowling Alone : the collapse and Revival of American Community , New York : Simon and Schuster.
- Ramella, M. and Rose, B.L. (2000), "Taking part in Adolescent sexual health promotion in Peru: Community participation from a social psychological perspective". Journal of Community and Applied Social Psychology . Vol. 10, No. 4: 271-284.
- Schacter, H., 1998, Reinventing government or reinventing ourselves: The role of citizen owners in making a better government, Albany, NY: SUNY Press.
- Sherry Arnstein (1969): A ladder of citizen participation. In: Journal of American Planning, Vol. 35, No. 4, pp. 216-224.
- White Leroy & Bourne Humphrey(2007) ,"voices and values: linking values with participation in OR/MS in public policy making " Journal of management science ;35:pp588-603.
- Westley, F., & Mintzberg, H. (2005). Visionary leadership and strategic management. Strategic Management Journal, 10, 17-32.